

پانیده ایران



بیمه وضع موجود یا تأمین زندگی بهتر آینده

## سندیکا

از دیدگاه ناسیونالیسم

نوشته:

دکتر محمد رضا عاملی



## ارزیابی جدید

سندیکا که جمع متشکل عده‌یی است که از جهتی تشابه و اشتراك منافع دارند، سازمانی است لازم، ولی هنگام آن رسیده است که مجددا مورد ارزیابی قرار گیرد، ارزش حقیقی آن تعیین شود و مقاصد و در نتیجه سازمان آن تجدید گردد.

سندیکا از لحاظ تاریخی مولود مبارزات طبقاتی است. منظور از ایجاد سندیکا آن بوده که عده‌ی دیگر که منافشان بوسیله عده‌ی دیگر تهدید می‌شده گردهم آیند و تشکل خود را وسیله اعمال قدرت (غالباً از طریق منفی، مانند اعتصاب) قرار دهند و بدین وسیله حقوقی برای خود تأمین نمایند.

عیب این نحوه ایجاد سندیکا، اینست که چون سندیکا حفظ موجودیت خود را آخرین هدف می‌پندارد بتدریج با اتخاذ تصمیماتی مبادرت می‌کند که از کادر مصالح عمومی خارج است و نیز در مقابل تحولات تکنیک که همیشه بِنفع اعضاء سندیکا ها نیست، مقاومت می‌ورزد.

در نظم ما وظیفه سندیکا تنها بحفظ منافع ضمنی پایان نمی‌پذیرد، بلکه سندیکا وسیله سازمان دادن اعضاء خود در کادر مصالح اقتصادی ملی است. سندیکا ها مرکزی برای افزودن بکیفیت فنی اعضاء خود و مرکزی برای تطبیق وضع موجود با تحولات آینده خواهد بود.

این تئوری در مورد سندیکا، ایجاب می‌کند که دولت نقش هدایت کننده در مورد سندیکاها داشته باشد. مقصود از این هدایت آنست که طرحهای آینده سیاست اقتصادی را تا جاییکه مربوط بسرنوشت آینده اعضاء یک سندیکا است برای آنان تشریح کند و آنها را برای انجام آن سازمان بدهد.

در این صورت دیگر سندیکا های متضاد مثل سندیکای کار



فرمایان و سندیکای کارگران در برابر هم مقاومت نخواهند کرد زیرا  
خط مشی کلی هر دو در یک مرکز که ناظر بر منافع کلی آنهاست تنظیم  
خواهد شد و عملیات آنان با تمام واحدهای اقتصادی هم آهنگی  
خواهد یافت .

این تفاوت در ارزیابی سندیکا سبب خواهد شد که دیگر هر  
سندیکا در پی آن نباشد که منافع را تنها بخود تخصیص دهد و در  
واقع نیروی هر یک از آنان در جهت خاصی اثر کند، بلکه سندیکا  
ها وسیله عمومیت بخشیدن بדרך سیاست اقتصاد ملی خواهند شد  
و همه نیروهای موثر در اقتصاد را در یک جهت بسیج و هدایت  
خواهند کرد .

### پیشرفت یا مقاومت

سندیکا از نظر حفظ منافع اعضاء خود موسسه مفیدی میباشد  
ولی در عین حال دارای این عیب نیز هست که در صورت برخورد  
بودن از قدرت در مقابل تحولات الزام آور مقاومت میورزد .

در طبیعت سندیکائی که بر روح فرد پرستی اتکاء داشته باشد  
این خاصیت هست که همواره می خواهد از وضع موجود دفاع کند و  
تغییر را میپندیرد که در مسیر منافع اعضایش باشد و نه در مسیر ترقی و  
تکامل فن و تکنیک

در صورتیکه صنایع پیشرفته این زمان و در قایق امور تولیدی  
تغییرات سریع را ایجاب میکنند که در حد خود اجتناب ناپذیر  
میباشد .

مثلا هم اکنون بسیاری از کارخانه ها ناگزیر هستند دستگاہ  
های خود را تعویض کنند و از دستگاہ های خود کار جدید که دارای  
قدرت تولیدی چند برابر قدرت دستگاہ های سابق است و با عده کارگر  
کمتری کار میکنند استفاده کنند .



سندیکاهای لیبرالیستی غالباً در برابر چنین تغییراتی که ظاهراً  
با اخراج جمعی از کارگران همراه است مقاومت میکنند و مبارزه خود  
را از زمانی آغاز می کنند که عده ای از کارگران را بیکاری تهدید  
می کند

در این مرحله اگر گردانندگان تولید در برابر آنان تسلیم  
شوند ناچار میشوند با همان وسائل کهنه بتولید خود ادامه دهند. در  
این صورت پس از چندی این واحد تولیدی در برابر رقیب های مجهز  
که دارای وسائل خود کار میباشند شکست خواهد خورد و تمام کارگران  
محکوم به بیکاری خواهند شد

سندیکای ناسیونالیستی راست است که از منافع کارگران دفاع  
میکند ولی این دفاع عمیق و اساسی است.

اگر دستگاهی که محکوم بزوال است چند روزی بزور سندیکا  
حمایت و حفاظت شود، این عمل را نمیتوان دفاع واقعی از حقوق کارگران  
و اعضاء سندیکا دانست، بلکه این عمل در حکم بکار بردن داروی مسکنی  
است که مرگ را چند روزی بتأخیر میاندازد ولی فرصت معالجه اساسی  
را نیز از بیمه ارسلب می کند.

سندیکای ناسیونالیستی که با هدایت و ارشاد دولت رهبری می  
شود باید در شرایط تحول و تکامل تکنیک از منافع کارگران دفاع کند.  
تکامل تکنیک ایجاب میکند که دورشته از تحول و تکامل همواره در مد  
نظر باشد.

### ۱- تحول و تکامل وسائل تولید - باید همیشه در نظر داشته

باشیم که دستگاههاییکه امروز با آن کار می کنیم تا چندی دیگر، که  
شاید بده سال نرسد، همگی فرسوده و غیر قابل استفاده خواهند شد و  
دستگاههای جدیدی اجباراً بکارگران کمتر ولی ورزیده تر نیازمند  
است.

بنابراین دولت، هم آنهاک با سندیکاها، باید نظر خود را معطوف  
بتوسعه صنایع نماید.



کارگران يك کارخانه نباید گمان کنند که وضع کارخانه برای سالهای متوالی می تواند ثابت بماند و آن ها نیز قادر خواهند بود با همین وسائل و ابزار برای همیشه بکار خود ادامه دهند . بلکه جهان فردا ، و شاید جهان کنونی ، احتیاج بدولتها و سندیکاهائی دارد که کارفرمای خود را در کارگاههای جدیدتر ، مدرن تر و تخصصی تری جستجو کنند

۲- تحول و تکامل نیروی انسانی- از طرف دیگر باید توجه داشته باشیم که هر کارگری که امروز بکار مشغول است باید بداند که دانش و مهارت او فقط بدرد امروز او میخورد و برای کار فردا اگر کوشش جدیدی بکار نبرد ، عنصر مساعدی نخواهد بود .

سندیکاهای ناسیونالیستی باید دفاع از حقوق کارگران را بر- اساس واقعیت جدیدی قرار دهند و آن دفاع از تکامل مهارت و تخصص کارگر است .

اگر کیفیت کارگران دائما در حال ترقی نباشد ، نه سندیکای کارگری و نه هیچ دستگاه مقتدری قادر بدفاع از منافع آنان نخواهد شد

بنابراین سندیکاهای ناسیونالیستی باید دو واقعیت بالا یعنی تغییر وسایل تولید و لزوم تکامل نیروی انسانی را همیشه در نظر داشته باشند و دفاع از حقوق افراد خود را بر اساس این واقعیت ها قرار دهند . باید با کمال تأسف یا شادمانی اقرار کرد که دیگر زمان آن گونه سندیکابازی که عده ای بدور هم جمع شوند و هر وقت خواستند یکی از آن ها را از کارخانه اخراج کنند اعتصاب کنند و با اینگونه مانور ها بحق خود برسند سپری شده است .

سندیکاهای جدید باید ، باید اولی جدید مجهز باشند که تناسب با تکامل تکنیک داشته باشد و مناسب با حالت توسعه سریع اقتصادی باشد

سندیکاهای جدید باید بکمک و ارشاد دولت (البته منظور دولت ناسیونالیست است زیرا دولتهای لیبرالیست این گونه کارهای اساسی



را وظیفه خود نمیدانند.) بصورت کانون‌های آموزش و کانون‌های تعاون و توسعه در آید که نه تنها بتواند از حقوق کارگران در وضع موجود دفاع کند بلکه بتواند آن‌ها را برای استفاده از شرایط فردا نیز آماده سازد.

### بیمه و تامین

تا کنون بزرگترین هدف سندیکاها بیمه بود ولی دیگر تنها بیمه کافی نیست بلکه باید سخن از تامین بمیان آورد. سندیکاها می‌توانند بر اندیشه‌های ریشه گرفته از اندیوید آلیسم (فردپرستی) هدف خود را بر بیمه اعضاء استوار میداشته‌اند. در حالیکه تکامل تکنیک و تکامل اقتصاد ایجاب می‌کند که در این هدف تغییر اساسی حاصل شود و از این رو است که سندیکا‌های ناسیونالیستی هدف خود را بر تامین قرار میدهند.

### برای ملت یا فرد

قبل از آنکه به تشریح فرق بیمه و تامین پردازیم تذکر نکته دیگری را لازم میدانیم: شاید بعضی از اینکس‌ها ما اساس فکری سندیکاها را از اندیوید آلیسم و مکاتب لیبرالیستی میدانیم دچار تعجب شوند و چنین گمان کنند که سندیکاها بر ریشه‌های اندیشه سوسیالیستی استوار هستند و شاید باز چنین گمان کنند که سوسیالیسم طرز تفکری است که در نقطه مقابل اندیوید آلیسم قرار گرفته است.



چنین ایرادی اگر پیش آید بعلمت آنست که در بکار بردن اصطلاحات دقت کافی مبذول نگشته است. سوسیالیسم طرز فکر و یا مکتب مشخصی نیست که مفهوم دقیق و روشنی داشته باشد. سوابق تاریخی نشان داده است که جمعیت‌ها و گروه‌هایی با طرز فکر های کاملاً متفاوت و حتی متضاد خود را سوسیالیست نامیده‌اند. اصطلاحات اجتماعی بعضی دارای مفهوم بسیط و بعضی دارای مفهوم مرکب‌اند .

اصطلاحات بسیط آنهایی است که لااقل در نزد جماعت بسیار دارای مفهوم مشترکی است ولی اصطلاحات مرکب از آن کلماتی است که در نزد شنوندگان مختلف مفهوم‌های گوناگون دارد و غالباً باید آن را بچند مفهوم بسیط تجزیه کرد تا قابل شناسائی باشد.

سوسیالیسم نیز دارای مفهوم مرکبی است . از زمان لوریه و ربرت اوون تا عصر ما که کسانی دم از سوسیالیسم عربی میزنند، صدها گونه طرز فکر پدید آمده است که همه نام سوسیالیسم را بیدک می کشیده‌اند . ولی اگر طرز فکر هر یک از این گروه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم تفاوت‌های بسیار در آن می‌یابیم . بنا بر این چون سوسیالیسم ، باعتباریکه گفتیم ، مفهوم بسیطی ندارد ، نمیتوان شناخت مفهوم دیگری را بر آن متکی ساخت .

ممکن است اعضاء بعضی از سندیکاها ، باعتباری ، سوسیالیست شناخته شوند ولی این خصوصیت عمومیت ندارد و نمی‌توان گفت فکر تشکیل سندیکا و اندیشه های سوسیالیستی



بدلیل آنکه در عصر خاصی همزمان بوده اند ، بستگی الزام آوری دارند.

اما اگر ما میگوئیم سندیکاهاتاً با بصیرت از ریشه های فکری اندیویدالیستی ریشه گرفته اند مبتنی بر تعریف و اعتبار خاصی است .

هر شخص یا هر گروه در تامین منافع خود، واقعا و یا ظاهرا، مصلحت پیکره اجتماعی را که آن شخص یا گروه جزئی از آنست منظور نکند، از نظر ما اندیویدالیست می باشد.

واقعیت آن است که در جهان هر فرد وابسته به وجود ملتی است و هر گروه اجتماعی در تار و پود پیکر ملتی موجودیت دارد .

وجود ملت قوانین هستی خود را با صدها وسیله بر موجودیت هر فرد و یا هر سازمان و گروه اجتماعی جاری میسازد. پس اگر طرز فکری بر واقع بینی استوار باشد ، پیوند فرد و یا گروه اجتماعی را با ملت منظور میدارد و بدان میاندیشد. خارج از کادر واقعیت ، هر اندیشه و طرز تفکری وجود داشته باشد مبتنی بر قبول اصل دیگری است و این اصل همان فرد پرستی است که موجودیت منتزع شده فرد را اصالت می بخشد و موجب پدید آمدن مکاتب موهوم و غیر واقعی میگردد.

بنا بر این چه بسا مکاتب سوسیالیستی هستند که در تحلیل آن بر ریشه های اندیویدالیستی برخورد می کنیم.

بعبارت دیگر مانگرش های اجتماعی را دو گونه بیشتر نمیشناسیم: یکی نگرش های واقع بینانه که رابطه فرد و گروه های اجتماعی را با موجودیت ملت انکار نمیکنند و قوانین کلی حیات



ملت را بر وجود افراد و سازمانها جاری می بینند و توصیه های آنان نیز بر اساس وجود همین رابطه کل به جزئی در مورد ملت با فرد و یا سازمان و یا گروه اجتماعی است.

دیگری نگرشی است که رابطه ملت و افراد یا گروههای اجتماعی را نادیده میگیرد و برای فرد یا گروه اجتماعی مصلحتی و منفعتی جدای از مصلحت و منفعت ملت در نظر میآورد. برهريك از این دو نگرش گروهی از مکتهبهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی استوارند.

گروههای اول بهر نام که باشد بر پایه های ناسیونالیسم بنیاد گرفته اند. و گروههای دوم، بهر نام که باشد بر پایه های فردپرستی ( اندیویدوآلیسم) بنیاد گرفته اند

موجودیت سندیکا تا کنون، لااقل از لحاظ شکل ظاهری کار بر پایه فردپرستی استوار بوده است و چه بسا سندیکاهامنکر داشتن دید سیاسی میشوند و بدینوسیله اعتراف میکنند که ورای مسائل صنفی و گروهی نمیخواهند نگرشی داشته باشند.

در صورتیکه سندیکاهای ناسیونالیستی، باز آوردن مفهوم سندیکا بهرصه واقعیات و دور کردن آن از چنگال اندیشههای سودپرستانه میباشد.

### سندیکای قدیم و بیهه

اگر عملیات سندیکا های اندیویدوآلیستی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، هدفی که برای این عملیات می توانیم قائل شویم، بیمه شرایط موجود است و اگر از این حد فراتر روند در جهت کم کردن از مقدار کالایا خدمتی است که ارائه میکنند و



زیاد کردن بر قیمت و یا دستمزدی است که طلب می نمایند .  
 بهمین دلیل در هر جا که مقررات بیمه اجتماعی بموقع اجرا گذارده شود سندیکاهاى آن چنانى عملا فلسفه وجودى خود را از دست مى دهند و تنها بصورت عامل نظارت کننده اى در مورد طرز اجراءى مقررات بیمه اجتماعى در مى آیند .  
 سندیکاها عملا مراقب آن هستند که کارگران را از کارخانه اخراج نکنند . در موقع حوادث و سوانح حقوق قانونى آنها را بپردازند .  
 در مورد سندیکا ها این که جنبه صنفى دارد مهم ترین مسائل سندیکا معطوف بجلوگیرى از رقابت و تقسیم عادلانه محیط کار است تا از تصادمات اعضاء سندیکا جلوگیرى شود و در موارد برخورد با مقامات دیگر از حقوق اعضا سندیکا دفاع مینمایند .  
 وقتى اینگونه مقررات را مورد بررسی قرار دهیم درمى یابیم ، فرض سندیکا آنست که اعضاء آن گردآمده اند تا بتوانند موجودیت خود را در وضعى که دارند حفظ کنند و از آن چه هستند عقب تر نروند بعضى از سندیکاهاى جدید بعضى از روشهاى تعاونى را نیز بر عملیات خود افزوده اند و از نوعى روش تعاونى مصرف یا اعتبار نیز استفاده مى کنند .  
 روشهاى که سندیکاها برای دفاع حقوق خود بکار میبرند استفاده از امکانات قانونى است ، یعنی سندیکا سعى مى کند به عنوان يك وکیل مدافع از حقوق اعضاء خود دفاع کند و یا اعتراضات دسته جمعى است که در این مورد کوشش مى شود تا از پشتیبانى افکار عمومى و رقابتهای سیاسى به نفع خود بهره بردارى نمایند با توجه باین خصوصیات مى توان گفت که هدف عملیات سندیکاهاى اندیوید آلیستى حفظ وضع موجود است که در کلمه بیمه خلاصه مى شود یا بعبارت دیگر اگر بتوانند مقررات بیمه را در مورد خود معمول دارند توانسته اند وسیله مناسبى برای حفظ وضع موجود بدست آورند . به تعبیرى دیگر ، اینگونه سندیکاها از موجودیت گروه



های مولد تنها دروضع سکونی (استاتیک) آن دفاع می کنند و به تحولات تکنیک و دگرگونی های آینده و لزوم هم آهنکی با فعالیت های دیگر توجهی ندارند و بعبارت دیگر بجنبه دینامیک موجودیت گروه های مولد توجه ندارند .

درحالیکه هر يك از گروه های مولد در جهان کنونی از دو نظر در معرض تحولات سریع میباشد، یکی از نظر تکامل تکنیک و روشهای علمی و دیگر از نظر هم آهنکی با تحولات اقتصادی درعصر روشهای علمی و فنی و نیز روشهای توسعه اقتصادی درعصر ما با سرعتی دگرگونی و تکامل می یابند که بر هر يك از گروه های تولید ، این دو عامل، بیشترین اثر را می گذارند .

بین صدسال تا پنجاه سال پیش اگر نجارها و یا کفاشها يك اتحادیه صنفی و باصطلاح کلی تر يك سندیکا می داشتند که تنها در پی بیمه وضع موجود آنها بود دیگر هیچ غمی نداشتند ، زیرا میتوانستند مطمئن باشند که با دفاع صنفی که از موجودیت خود میکنند تا آخر عمر کسب و کار خود را حفظ خواهند کرد . ولی اکنون زمان دیگری است . دستگاہ هائی پدید آمده است که در يك روز می توانند با اندازه تمام عمر اعضای صنف کفاش ، کفش تهیه کند و بدون شك چنین دستگاہی تا دهسال دیگر جای خود را بدستگاہ دیگر خواهد داد که اکنون نمی توانیم تصور آن را بکنیم از طرف دیگر فعالیت های اقتصادی دولت که بدنبال مقاصد سیاسی در حرکت است بر همه شئون اقتصادی بخش خصوصی تاثیر می گذارد سیاست اقتصادی دولتها میتواند درجهتی باشد که يك صنف گمنام را يك باره احیا کند و یا درجهتی باشد که يك رشته قوی و نیرومند را یکباره از میان بردارد و یا دگرگون کند .

فرض کنید اکنون قریب صد هزار تا کسی در بعضی از شهر های بزرگ بکار مشغول است در صورتیکه دولت نیز برای تسهیل رفت و آمد در صدد بوجود آوردن قطار زیر زمینی می باشد . آیا سندیکای تا کسی را نان می توانند در برابر این تصمیم



دولت مقاومت کند و استدلال نماید که بوجوه آمدن قطار زیرزمینی مانع کسب کار آنها خواهد شد ؟  
 بنا بر این فعالیت‌های اقتصادی این زمان بد و منبع قدرت بسته شده است که با سرعت در حال دیگر گونی و تغییر است. سندیکا عصر ما باید بتواند از منافع اعضای خود در چنین حالت تغییر و تکامل سریع دفاع کند، باید در عین حال که با این گردش تند حرکت میکند بفکر سامان دادن آینده اعضای خود باشد تنها کافی نیست که سندیکا بشرایط امروز توجه داشته باشد بلکه باید بتواند شرایط فردا را نیز بحساب آورد و بهمین دلیل است که میگوئیم کافی نیست به بیمه وضع موجود بپردازد بلکه باید بتأمین وضع آینده توجه داشته باشد.  
 روشهای اعتراض آمیز مبارزات سندیکائی باید جای خود را بروشهای پرتحرکی بدهد که از بصیرت کافی برخوردار باشد، شرایط فردا را درک کند و سازمان‌های موجود را برای اشغال وضع فردا توسعه دهد

### سندیکای جدید و تأمین

سیاست اجتماعی ناسیونالیسم فلسفه وجودی سندیکاهارا دگگون خواهد کرد. دیگر سندیکا بخاطر آن نخواهد بود که وضع موجود را حفظ کند بلکه دنبال کردن هدفهای عالیتری در برابر تشکیلات سندیکائی مطرح است.  
 سندیکاهای ناسیونالیستی سازمانی است که موجودیت دستگاههای تولید را از جنبه نیروی انسانی در مسیر تحولات تکاملی تکنیک و در مسیر واقعیات سیاست ملی قرار میدهد و در چنین تاروپودی شرایط کار را برای اعضاء سندیکا و شرایط زندگی را برای خانواده‌های آنان تأمین مینماید.  
 اگر این ویژگیها برای سندیکا در نظر گرفته شود لازم است در طرز کار آن، سازمان داخلی و ارتباطی که با سازمان‌های هدایت کنند، دولتی دارد، تغییرات اساسی پدید آید.



طرز کار سندیکاها باید بزرگ دوراندیشی در مورد جامعه ای که در آن زندگانی میکنند و حرفه ای که بدان اشتغال دارند استوار گردد.

تطبیق با سایر تحولات تکنیک بزرگترین وظیفه سندیکا های آینده را تشکیل میدهد.

سندیکاها باید توانائی آن را پیدا کنند که اعضای خود را برای کاربرد شرایط فردا آماده سازند و از این رو است که باید هر سندیکا با سازمان آموزشی مجهزی تبدیل شود، که وظیفه آموزش ضمن خدمت اعضای خود را بعهده گیرد.

چهره مخوفی را که صنعت در آغاز قرن بیستم بخود گرفته بود بر اثر تکامل تکنیک و احتیاج بکارگران متخصص تدریجا دگرگون میشود و از این رو به پیروی از تغییر چهره ای جامعه صنعتی، تکاملی نیز در چهره ای سندیکاها باید پدید آید.

در آغاز قرن بیستم کارخانه ها بر اساس تکنیکهای ساده سازمان بندی میشد و توده کارگران معمولا با مهارتهای ناچیز بکار مشغول میشدند. از لحاظ مهارت غالبا بین کارگرانی که بکار مشغول بودند و بیکارانی که در خارج بسر میبردند تفاوتی نبود و بهمین دلیل کارفرمایان همیشه میتوانستند با توسل بحر به اخراج و جانشین کردن یک بیکاره خیابان بجای کارگر شاغل هدفهای سودجویانه خود را تعقیب کنند و نیز بهمین دلیل سندیکاهای اولیه بیشتر در صدد بودند که از حقوق کارگران در برابر تهدید اخراج دفاع نمایند.

آنچه را که چهره مخوف صنعت نامیدیم عبارت از همین جانشین شدن کارگران ساده و فاقد مهارت بود بجای استادکاران



ورزیده و ماهر که ویژه دوره‌های قبل آزمایشی شدن کارگاهها بود .

ولی تکامل تکنیک باردیگر چهره سازمانهای صنعتی را بسود کارگران ورزیده و ماهر تغییر داده است و روز بروز از تعداد آنگونه کارگران ساده و فاقد مهارت که بهسولت بتوان نظیر آنان را در کوچه و خیابان پیدا کرد، کاسته میشود. اگر تا دیروز کارگران باین دلیل کار خود را از دست میدادند که کارفرما مایل بود جای آنان را بکارگر ساده‌ای بدهد که دستمزد کم‌تر دریافت کند، امروز کارگران بدلیل آن‌کار خود را از دست میدهند که از مهارت کافی برخوردار نیستند.

وضع اعضاء سندیکاها را عدم مهارت بیشتر از رقابت بیکاران تهدید میکند، بنا بر این سندیکاهای جدید باید با سازمانهای مجهز خود در صدد افزودن بر مهارت اعضاء خود باشند و آنها را برای کار در کارگاههای جدید و با وسایل جدید تعلیم بدهند و آماده سازند.

برنامه دیگری را که سندیکاها باید دنبال کنند، تطبیق دادن وضع سازمانهای تولید از جهت نیروی انسانی با نیازمندی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه میباشد. سندیکاها باید در اعضاء خود قدرت درك موقعیت جهانی يك ملت را پدید آورند. حیات سندیکا جدای از حیات ملت نیست و تحولات زندگی سیاسی ملت بر جزئیات کار سندیکاها تاثیر میگذارد.

زمانیکه سندیکاها میتوانند حالت انزوایی برای خود فرض کنند سپری شده است و سندیکاهای آینده واحد مستقلی بشمار نمی‌آیند، بلکه در حکم سازمانی هستند که باید با سازمانهای دیگر هم آهنگی و بستگی کامل داشته باشند اینک اعضاء هر



سندیکا در چه محیطی بتوانند فعالیت کنند، در چه شهرهایی بتوانند  
بسیار زمان خود گسترش بدهند، چگونه عملیاتی را بتوانند تعقیب  
کنند. هیچیک مسائلی نیست که در چهار دیوار داخلی سندیکا قابل  
حل و فصل باشد.

وظیفه کلی يك سندیکا و چگونگی و حدود فعالیت آن قبلا  
باید در چهارچوب سیاست ملی حل شود و سپس طرز اجرای  
سیاست معین شده در کادر داخلی سندیکا مورد بحث قرار گیرد  
دور شدن از حالت انزوا و پیوند یافتن با حیات سیاسی ملت  
بزرگترین تحولی است که باید در کیفیت سندیکاهای پدید آید  
این خصوصیت ایجاد میکنند که سندیکاهای موقعیت حرفه خود  
را در چهارچوب سیاست کلی کشور مورد ارزیابی جدید قرار دهند  
و با درک شرایط واقعی بطراحی کار آینده خود پردازند.

تمام این خصوصیات که برای سندیکاهای شمردیم این  
حقیقت را روشن میسازد که سندیکاهای در حال انزوا و بوسيله  
گردانندگان داخلی خود قادر با انجام وظائف خطیر و بزرگی  
که برای آنان منظور شده است نمیتوانند.

این وظیفه يك دولت آشنا سیاست ناسیونالیستی است که  
سازمان دادن و هدایت سندیکاهای جدید را بعهده گیرد و این  
واحدهای تشکیلاتی را بسازمانی مناسب درك تحولات ملی، فنی  
و علمی تبدیل نماید و با فعالیت آن کار اعضاء و آسایش خانواده  
های آنان را تامین نمایند.



از انتشارات حزب پان ایرانیست

بها ۲ ریال

---

این نشریه در ۱۰ هزار نسخه بتاريخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۷ بچاپ رسید.